

بررسی سیره علمی، اخلاقی عرفانی و سیاسی آیت‌الله شاه‌آبادی

حسین مروّتی شریف‌آبادی^۱

^۱ حوزه علمیه امام صادق علیه‌السلام اردکان

چکیده

هر انسانی برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی نیاز به الگو دارد. بعد از معصومین علیهم‌السلام، علما و دانشمندان از بهترین الگوها برای طالبان علم و طلاب حوزه‌های علمیه محسوب می‌شوند. بنابراین یکی از موثرترین کارها در حوزه‌های علمیه، خواندن سیره علمای پیشین است. آیت‌الله شاه‌آبادی یکی از بهترین الگوهای علمی اخلاقی و سیاسی در حوزه‌های علمیه محسوب می‌شود. ایشان در اصفهان چشم به جهان گشود. مقدمات علوم را نزد پدر و برادر بزرگشان آموخت. بعد از تلاش فراوانی در ۱۸ سالگی به اجتهاد رسیدند بعد از اجتهاد نیز ایشان دست از آموختن علوم برنداشته به نجف رفته و در درس علمای مشهور زمان علم آموختند. ایشان شاگردان زیادی از جمله امام راحل (رحمه‌الله علیه) و آیت‌الله مرعشی نجفی تربیت کردند. ایشان آثار زیادی برجای گذاشته‌اند از جمله شذرات المعارف و رشحات البحار و سرانجام ۱۳۲۸ شمسی در تهران درگذشتند. آیت‌الله شاه‌آبادی از جمله علمای اخلاق بودند که از مسایل علمی روز غافل نبودند و همواره در مسایل سیاسی اجتماعی در کنار مردم بودند و با حکومت‌های مستبد مبارزه می‌کردند و در مبارزه سردمدار محسوب می‌شدند.

واژه‌های کلیدی: آیت‌الله شاه‌آبادی، علمای اخلاق، استاد اخلاق، امام

مقدمه:

آیت‌الله شاه‌آبادی یکی از اسوه‌های علمی و اخلاقی و عرفانی بزرگ حوزه‌های علمیه شیعه در قرن حاضر محسوب می‌شود؛ و سیره عملی و اخلاقی عرفانی ایشان یکی از الگوهای اخلاقی طلاب حوزه علمیه قرار گرفته است به‌طوری‌امام خمینی رحمه الله علیه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران یکی از شاگردان ایشان محسوب می‌شود.

ما در این مقاله در صدد بررسی سیره علمی و اخلاقی - عرفانی و سیاسی آیت الله شاه آبادی هستیم. به همین مناسبت ابتدا سیره علمی و سپس سیره اخلاقی عرفانی و در نهایت به سیره سیاسی ایشان می‌پردازیم.

منظور از سیره گفتار، رفتار و آثار مکتوب ایشان در حوزه‌های علمی، اخلاق - عرفانی و عملکرد ایشان در حوزه های سیاسی اجتماعی زمان خودشان است.

سیره علمی

تحصیلات

آیت الله محمد علی شاه آبادی، فقیه، حکیم، و عارف بزرگ شیعه و اسلام، در سال ۱۲۹۲ قمری^۱ در محله حسین آباد اصفهان در خانه آیت الله میرزا محمد جواد اصفهانی بید آبادی به دنیا آمد.

محمد علی، مقدمات علوم را نزد پدر اموخت و آنگاه در کلاس درس برادر بزرگترش - شیخ احمد مجتهد که قبل از بلوغ جسمانی به درجه اجتهاد رسید - حاضر شد. در ده سالگی در درس آیت الله میرزا هاشم خوانساری (نویسنده کتاب مبانی الاصول) و درس ریاضیات نزد آقا میرزا عبدالرزاق ش باغیری شرکت کرد. در سال ۱۳۱۲ قمری اولین و بهترین استاد خود یعنی پدر مهربانش را از دست داد. وی شانزده سال در تهران اقامت کرد و در این مدت علاوه بر تحصیل به تدریس اشتغال داشت. میرزا محمد علی در تهران، در کلاس فقه و اصول آیت الله میرزا حسن آشتیانی شاگرد شیخ انصاری (صاحب بحر الفوائد) شرکت کرد. فلسفه و عرفان را نزد میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا هاشم گیلانی خواند. در کنار این درس ها ریاضیات را خوب اموخت و بر علوم غریبه، رمل و جفر و اسطلاب مهارت کامل یافت و به زبان فرانسه مسلط شد.

این جوان پر تلاش اصفهانی در ۱۸ سالگی به اجتهاد نائل آمد. در سال ۱۳۲۰ ق میرزا محمد علی به نجف اشرف رفت و در درس آیت الله العظمی محمد کاظم خراسانی (آخوند خراسانی) حاضر شد. اقامت وی در نجف هفت سال به طول انجامید. وی در نجف در درس آیت الله شیخ فتح الله شریعت (شیخ الشریعه) و آیت الله میرزا محمد حسن خلیلی شرکت کرد. سپس به سامرا رفت و در درس آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی را آموخت و یکی از شش نفری بود که میرزای شیرازی بر ایشان اجازه اجتهاد صادر کرد. بعد از هشت سال اقامت در عراق و به درخواست مادرش، علی رغم مخالفت علمای بنام نجف و سامرا به اصفهان برگشت. وقتی مردم تهران از ورود آیت الله شاه آبادی به ایران مطلع شدند از ایشان خواستند که به تهران برود. وی پذیرفت و چون منزل ایشان در خیابان شاه آباد، جمهوری اسلامی کنونی، بود به آیت الله شاه آبادی معروف شد. سپس برای تعلیم و تعلم به قم رفت.

^۱ به شمس ۱۲۵۴

شیخ عارف در حوزه علمیه قم روزی چندین درس تدریس میکرد و همگی شاگردان وی از کیفیت درس و تدریس استاد مطالب بسیاری نقل کرده اند. هر عالمی که در درسی از درسهای ایشان شرکت میکرد، استاد را در همان رشته خاص بسیار می ستود؛ چنانکه امام (رحمه الله علیه) که در درسهای عرفان ایشان حاضر می شد استادش را در عرفان فوق العاده می ستود. شهید مطهری (رحمه الله علیه) ایشان را در عرفان ممتاز و بی رقیب می دانست. وایت الله میرزا هاشم آملی (رحمه الله علیه) معتقد بود مهارت ایشان در فقه و اصول و بیش از فلسفه و عرفان است.

آیت الله شاه ابادی در فقه و اصول، تفسیر، عرفان، فلسفه، منطق و ادبیات عرب تدریس میکرد. استاد علاقه زیادی به شاگرد برجسته خود یعنی امام خمینی (رحمه الله علیه) داشت. نقل است که هرگاه می خواست او را صدا بزند میفمود: روح الله. همین ارادت دو طرفه موجب گردید بسیاری از رساله ها و کتابهای چاپ نشده شیخ عارف در اختیار حضرت امام (رحمه الله علیه) قرار گرفت تا به چاپ برسند اما در حمله ساواک به کتابخانه و منزل امام در قم در سال ۱۳۴۳ ش آثار وی و آقا روح الله ناپدید شد.

عارف کامل آیت الله شاه ابادی در روز سوم آذر ۱۳۲۸ شمسی، (سوم صفر ۱۳۶۹ قمری) به رحمت الهی پیوست و در مقبره شیخ ابوالفتوح رازی حضرت عبد العظیم حسنی به خاک سپرده شد. (رضایی چراتی، داوود، ۱۳۹۴، صص ۲۰، ۲۰۹، ۲۰۸)

اساتید

در میان اساتید مهم آیت الله شاه ابادی میتوان به افراد شاخصی نام برد که از جمله آنها:

۱- میرزا محمد تقی شیرازی

آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی از رجال نامدار علم و عمل، فقاقت و سیاست و یکی از مفاخر شیعه به شمار می آید. معروف به میرزای دوم یا میرزای کوچک، از مراجع تقلید ایران و رهبر سیاسی نهضت استقلال طلبی عراق در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری بود. (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم مؤسسه فرهنگی اسلامی الامین الحسنین علیهما السلام، ج ۱، صص ۷۴۳ تا ۷۵۳)

۲- سرتیپ عبدالرزاق بغیری

۳- آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی {آخوند خراسانی}

آخوند خراسانی از سلسه حماسه سازان تاریخ ایران است. وی مرجع تقلید، مدرس کم نظیر حوزه علمیه نجف و رهبر انقلاب مشروطه بود.

تمام تاریخ نویسان مشروطه، حتی آنانکه دشمن روحانیت و خواستار نابودی اسلام و استیلای فرهنگ غرب در ایران بودند رهبری او را در نهضت مشروطه پذیرفته اند. اما شگفت این است که درباره اش کمتر از سایر دست اندر کاران نهضت مشروطه سخن به میان آمده است!

کفایه الاصول، مهمترین اثر آخوند، که چندین بار چاپ شده است و هنوز در حوزه های علمیه شیعه تدریس میشود. این کتاب از کم نظیرترین، کتاب هایی است که درباره علم اصول نوشته شده است و بیش از صد نفر از مجتهدان شیعه بر این کتاب حاشیه و شرح نوشته اند. (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم مؤسسه فرهنگی اسلامی الامین الحسنین علیهما السلام، ج ۱، صص ۷۱۶ تا ۷۱۷)

۴- آیت الله میرزا محمد حسن اشتیانی

میرزا محمد حسن بن میرزا جعفر بن میرزا محمد آشتیانی رازی (۱۳۱۹-۱۲۴۸ق) فقیه و اصولی، اولین کسیکه درس وسبک شیخ انصاری را در ایران پایه گذاری و منتشر ساخت، در انتشار فتوای معروف تحریم تنباکوی میرزای شیرازی نقش داشت. (<https://wikinoor.ir/>)

شاگردان

۱. حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه)

استاد برجسته

امام خمینی از چگونگی آشنایی خود با آیت الله شاه آبادی میفرماید: روزی در فیضیه با میرزا محمد صادق شاه آبادی (برادرزاده آیت الله شاه آبادی و از دوستان امام خمینی) برخورد کردم، گفت: اگر گمشده ات را میخواهی در فلان حجره نشسته است. به آنجا رفتم از ایشان سوالی پرسیدم جواب درخوری دادند، دانستم که اهلش هستند. منتظر شدم تا بحث تمام شد. دنبال آیت الله شاه آبادی حرکت کردم و در راه از ایشان تقاضای درس نمودم. نپذیرفت، اصرار کردم تا پذیرفت که فلسفه ای بگوید. گفتم فلسفه خوانده ام عرفان میخواهم. نپذیرفت، اصرار کردم تا به منزلش رسیدیم، تعارف کردند به منزلش رفتم. انقدر اصرار کردم تا پذیرفت. بعد از چند جلسه عرفان دیدم که نمیتوانم ترکش کنم. از آن به بعد در همه جلسات شرکت میکردم و تمام را مینوشتم. بعد از هفت سال که به تهران رفتند، در هر تعطیلاتی به تهران میرفتم و در جلسات شرکت میکردم. امام میگوید: ابتدا تنها در درس عرفان حاجقا شاه آبادی حضور می یافتم اما بعد به جلسه های اخلاشان هم رفتم. گاهی که زیاد میشدیم سه نفر بودیم، ولی بیشتر اوقات من تنها بودم و عرفان را نزد ایشان میخواندم؛ و در طول عمرم روحی به لطافت و طافت آیت الله شاه آبادی ندیدم. مرحوم شاه آبادی لطیفه ای ربانی بود. اگر آیت الله شاه آبادی هفتاد سال تدریس میکرد، من در محضرش حاضر میشدم چون هرروز حرف تازه ای داشت.

همین بس که حضرت امام در میان اساتید خود، احترام خاصی برای استاد عرفانش، مرحوم شاه آبادی قائل بود و با اینکه مرتبه کمال در عرفان را برای او حدی از مردم میداند در تالیفات عرفانیشان از مرحوم شاه آبادی غالباً به عنوان (شیخ عارف کامل ما شاه آبادی روحی فدا) یاد میکند. (رضایی چراتی، داوود، ۱۳۹۴، صفحه ۲۱۱)

۲. آیه الله حاج شهاب الدین مرعشی نجفی ۳. آیه الله حاج میرزا هاشم آملی ۴. آیه الله شیخ محمد رضا طبسی نجفی
۵. آیه الله حاج محمد ثقفی تهرانی (پدر همسر حضرت امام) ۶. سید کاظم شریعتمداری ۷. ابوالقاسم گرجی
۸. عبدالکریم حق شناس ۹. عبدالجواد فلاطوری ۱۰. سید موسی مازندرانی ۱۱. محمد صادقی تهرانی ۱۲. نورالدین اشنی ۱۳. شیخ حسن قهرمانی ۱۴. سید علی بهشتی ۱۵. روح الله خرم آبادی ۱۶. میرزا خلیل کمره ای ۱۷. سید حسن احمدی علون آبادی ۱۸. حیدر آقا معجزه ۱۹. ملأ علی همدانی ۲۰. سید رضا بهاء الدینی ۲۱. سید مصطفی صفایی ۲۲. میرزا حسن یزدی ۲۳. سید حسین قاضی تبریز ۲۴. شیخ راضی تبریزی ۲۵. میرزا عبدالکریم روشن ۲۶. حاج مصطفی خان ابروانی ۲۷. عباسقلی خان بازرگان

اثر مکتوب

۱- مفتاح السعاده فی احکام العبادہ

این کتاب فارسی، رساله عملیه آیت الله شاه آبادی است که در سال ۱۳۵۸ ق در تهران چاپ شده است.

۲- حاشیه بر نجاه العباد

۳- سه رساله اصولی و فقهی عارف حکیم آیت الله العظمی میرزا محمدعلی شاه آبادی

کتاب حاضر به معرفی سه رساله از ایشان به زبان عربی اختصاص یافته است. عناوین رساله ها عبارت است از: (فی عدم انسداد باب العلم)؛ (فی الرضاع)، (الرجعه فی الطلاق الرجعی). چاپ اخیر با تحقیق آقای علی صدرايي خویی در سال ۱۳۸۶ ش توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تجدید چاپ شده است.

۴- درر الکفایه (شرح کفایه)

این کتاب شرحی است بر کفایه بر دو دفتر توسط خود ایشان تألیف و نگاشته شده است. سبک نگارش آن به صورت (صدف فیه درو هو قولہ دام ظلہ العالی ... اقول ...) است. این کتاب قطعا تألیف آیت الله شاه آبادی است و با گزارش های فرزندان ایشان از آثارشان نیز هم خوانی دارد.

۵- العقل و الجهالة

۶- حاشیه بر ریاض المسائل

کتاب ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل نوشته سید علی بن محمد علی بن ابی المعالی طباطبائی حائری (۱۲۳۱- ۱۱۶۱ ق) و به زبان عربی و در موضوع فقه استدلالی است. این کتاب از شرح های معتبر کتاب النافع فی مختصر الشرایع معروف به (مختصر النافع) تألیف محقق حلی (۶۷۶ ق) است. آیت الله شاه آبادی مجموعا در قریب به ده موضع حواشی بر این کتاب نگاشته اند.

۷- الکشف و الرساله

۸- کتاب الوقف (للاخواند خراسانی)

این کتاب از آثار فقهی مرحوم اخوند خراسانی (رحمه الله علیه) است که در ۱۷ رجب ۱۳۲۴ ق نگاشته شده و آیت الله شاه آبادی (رحمه الله علیه) آن را در تاریخ ۱۱ محرم ۱۳۲۸ ق در ۹۶ صفحه استنساخ نموده اند.

۱۰- جزواتی در علم جفر

۱۱- شذرات المعارف

شذره نویسی در تاریخ تمدن اسلامی امری عام و فراگیر بوده است و بسیاری از علما و اندیشمندان مختلف در حوزه های تخصصی یا مورد علاقه خود، آثار و تصنیفاتی را فراهم میکردند و آنرا تحت عنوان (شذره) یا سایر مشتقات این کلمه در اختیار خوانندگان قرار می دادند.

این کتاب با انگیزه بررسی مشکلاتی که مسلمانان به آنها مبتلا هستند و ارائه راهکار برای آنها تالیف شده است. (شذره) به معنای تکه های طلا یا مروارید کوچک است. کتاب از پنج شذره و هر شذره از بند هایی تشکیل شده که به عنوان (معرفه) از هم متمایز گشته است.

۱۲- رَشحات البحار

این اثر به عربی و در سال ۱۳۵۹ ق تالیف و از سه بخش تشکیل شده است:

و العتره

ایشان بخش «القرآن والعتره» را با علم خداوند به ذات خویش و سایر صفات خود آغاز میکنند. سپس نزول این علم را در مراتب وجود شرح میدهند و سوره قدر و نزول قرآن را مطابق با نزول علم الهی میدانند. سپس در موضوع حفظ قرآن از سوی خداوند مطالب را ادامه داده و اتحاد قرآن با عترت را در تمام مراتب آن طرح میکنند. با بیان لزوم بقای قرآن تا قیامت، لزوم بقای اهل بیت با ایشان توضیح داده میشود. با علم به شهادت امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، لزوم رجعت اهل بیت پس از ایشان معلوم میشود تا معیت با قرآن در تمام مراتب تا روز قیامت حفظ گردد. در انتهای این کتاب، ایشان بحث ولایت تکوینی و تشریعی را تبیین می نمایند.

الایمان و الرجعه

در بخش «الایمان والرجعه» ایشان ناظر به شبهاتی بودند که آن زمان پیرامون موضوع رجعت مطرح بوده و برخی در آثار خود رجعت را انکار میکردند. ایشان بر پایه تفسیر چند پایه از قرآن کریم، امکان رجعت را عقلاً و نقلاً بیان میکنند. آغاز این کتاب با آیه ۸۲ تا ۸۵ از سوره مبارکه نمل است.

در تفسیر آیه ایشان بیان میکنند که دابّه (جنبنده) ای که در آیه آمده است نمیتواند موجود دفعی الوجود و یا از ارواح سابقه باشد و با ضمیمه توضیحات دیگر، آن را نفس انسانی میدانند که در روایات به امیر المومنین (علیه السلام) تطبیق شده است که با تکلم خود، حجت را بر همه تمام میکند. در ایشان و تطبیق آیه ۸۵ را در دنیا و نه در آخرت میدانند. در ادامه ایشان رجعت افراد مختلف را به سه ملاک استعداد، استدعاء و استحضار میدانند. سپس به بیان فلسفی کیفیت رجعتی پردازند.

الانسان و الفطره

در بخش سوم با نام «الانسان والفطره» که بیش از دوسوم کتاب رَشحات البحار را در برمیگیرد، ایشان آیه سی ام سوره مبارکه روم را محور بحث خود قرار داده اند:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَ لَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ».

نظریه بنیادی آیت الله شاه آبادی که با نام «نظریه فطرت» شناخته شده است، در این کتاب به تفصیل تبیین شده است.

13- منازل السالکین

بر کتاب «منازل السائرین» خواجه عبد الله انصاری بیش از ده شرح نگاشته شده است. خواجه منازل سلوک را به صد منزل تقسیم کرده است. این کتاب نیز شرحی دیگر بر اثر خواجه عبدالله بوده است. آیت الله شاه آبادی هر منزل را به ده بیت تقسیم کرده اند. به این ترتیب در اصل کتاب، منازل سلوک را به هزار منزل رسانده بودند. از آنجا که مولف در کتاب شذرات (معرفه ۱۱۵) از آن کتاب نام برده اند، معلوم میشود که تالیف کتاب منازل بر شذرات مقدّم بوده است. ایشان کتاب را به صورت استنساخ به یکی از شاگردان خود به نام آقای ملک خلاق می دهند و وی در میانه استنساخ از دنیا می رود. تلاش های آیت الله شاه آبادی برای یافتن نسخه اصلی پس از مرگ شاگرد ناتمام می ماند و نسخه اصلی از دست می رود. ظاهراً ایشان دوباره دست به نگارش کتاب زده اند و بخش هایی از آنرا باز نویسی کرده اند. آنچه اکنون یافت شده است، شش منزل با توضیحات کامل آنها (هر یک در ده بیت) در ۳۵۲ صفحه است.

14- حاشیه بر مصباح الانس

15- رساله ای در اذان و اقامه

16- تحفه الملوك

این کتاب اخلاقی عرفانی با نام «تحفه الملوك فی السیر والسلوك» منسوب به علامه سید مهدی بحر العلوم است که مرحوم شاه آبادی آن را استنساخ کرده بودند. بعد ها علامه طهرانی این کتاب را تصحیح و با مقدمه و تعلیقات فراوان در سال ۱۳۹۳ ق منتشر کردند. براساس آنچه در مقدمه علامه طهرانی آمده است، این کتاب نسخه های گوناگون و البته غالباً مغلوّط داشته و در بعضی مواضع آن، اصلاً معنا را نمی رسانده است. در نهایت ایشان از نسخه ای که نزد علامه طباطبائی (رحمه الله علیه) موجود بود و ایشان از آیت الله سید ابوالقاسم خوانساری (رحمه الله علیه) گرفته بودند، استنساخ نمودند. نسخه ای که به خط آیت الله شاه آبادی (رحمه الله علیه) استنساخ شده نیز با کیفیت و صحیح و در ۷۶ صفحه است. درباره صحت انتساب این کتاب به سید بحر العلوم (رحمه الله علیه)، علامه طهرانی به تفصیل و با شواهد بسیار در مقدمه بحث کرده اند.

17- نوشته هایی در ادبیات عرب (صرف، نحو، معانی و بیان)

در خاطرات فرزندان آیت الله شاه آبادی آمده است که ایشان کتابی در موضوع صرف در ۹۰ درس، ظاهراً به قصد کتابی آموزشی برای مدرسه ای در تهران که خود ایشان تاسیس کرده بودند و بعد ها تبدیل به درمانگاه شد، نگاشته بودند و فرزندان نیز آنرا درس می گرفتند. این کتاب در زمان ایشان با چاپ سنگی منتشر شده، هرچند علی رغم جستجوی فراوان هنوز نسخه چاپی آن به دست نیامده است. آنچه موجود است جزواتی است با نام «دروس صرفیه» که احتمال می رود استنساخ بخشی از کتاب باشد. همچنین درس نوشته هایی در درس در مباحث نحوی و معانی و بیان نیز موجود است و شاید مجموع این موارد، همگی اجزای یک کتاب واحد را تشکیل بدهد.

18- نوشته های پراکنده فقهی. (<https://shahabadi.ir>)

رفتارهای عالمانه

*چند نکته مهم در سیره علمی ایشان و توجه ایشان به علوم روز و تکنولوژی قابل ملاحظه هست که به آنها اشاره می کنیم.

۱- استفاده از ساخته‌های اروپایی

انسان عارف با مقصود گرفتن خداوند ذوالجلال، متاع دنیا را به عنوان ابزاری می‌نگرد که می‌تواند یاریگر او در عبادت و معرفت باشد. آیت الله العظمی میرزا محمد علی شاه آبادی با دانستن این مطلب، از ابزار بشری که به راحت تر زیستن کمک می‌کند، بهره می‌جویند. این باور در زمان ایشان آن چنان رایج نبود و افراد بیم آن داشتند که با استفاده از ساخته‌های فرنگی به گناه و کفر دچار شوند. مرحوم شاه آبادی با دانستن این مسأله که همین وسیله با ظاهری کمی متفاوت سال‌هاست در مجالس موجود است، به راحتی بر میل می‌نشستند و از اینکه دیگران از آن سود نمی‌جویند، متعجب بودند. فرزند ایشان، آیت الله نور الله شاه آبادی در این مورد می‌گوید: «روزی در خدمت ایشان، به دیدن مرحوم خلیلی رفتیم. پدر خلیلی که یک زمان رییس برق تهران بودند و پدر گاز بوتان هم بودند، مریض بودند. به عیادت ایشان رفتیم. در اتاقی که نشسته بودیم، اتاق کوچکی بود از همین مبل‌های معمولی که در آن زمان خیلی مرسوم نبود و پدر هم روی مبل نشستند و فرمودند: «چه چیز خوبی است. نمی‌دانم چرا از این‌ها استفاده نمی‌کنند.» صحبت اینکه این متعلق به خارج است یا تعبیه شده از انگلستان یا فرانسه است یا اروپا هست، نبود. چون شبیه به همین را تحت عنوان منبر در مسجد داشتند و ایشان هر وقت می‌نشستند، روی همین مبل یک پله ای می‌نشستند و صحبت می‌کردند و راحتی این را ستایش می‌کردند.»

از سوی دیگر با نفی تفکر تفریطی مذهبی‌ها، این غلط را که اروپایی‌ها خادم مسلمانان هستند و با تولیدات خود ما را از تولید و تلاش بی‌نیاز کرده‌اند، به شدت مردود می‌دانستند. به طور مثال می‌گفتند: «بعضی‌ها فکر می‌کنند اروپایی‌ها نوکر ما هستند یا خادم ما هستند و خر ما هستند.» ایشان جواب دادند که «اشتباه در همین است. ما پنبه یک من شش هزار را می‌فروشیم و همان را یک من، پانصد تومان می‌خریم. حالا انسان عاقل می‌داند من خر هستم یا او. این فروشنده احمق است. ما خدمتگزار آن‌ها هستیم، نه آن‌ها خدمتگزار ما هستند.»

درک این مسائل برای توده مردم در آن زمان نبود. به توده مردم آگاهی کامل نداده بودند و روی همین اصل، برای آنها شگفت آور بود که یک روحانی در این سطح برنامه ریزی بکند. در زمان آیت الله شاه آبادی، استفاده از بیسیم و رادیو در ایران تازه رایج شده بود، ولی چون وسایل ارتباط جمعی به دست حکومت رضاخان اداره میشد، بیشتر برنامه‌های آن مبتذل، ضد اسلامی و مروج فرهنگ غرب بود. این امر موجب شد که عده از علما معتقد حرمت تمام برنامه‌های آن شوند و به حرمت استفاده از آن فتوا دهند.

در این حال عده‌ای از مردم نزد آیت الله شاه آبادی رفته، از ایشان درباره جواز استفاده از این وسایل سوال کردند. ایشان ضمن اظهار تأسف از اینکه این وسیله تبلیغ خوب، در دست مسلمانان نیست فرمودند: «رادیو، همچون زبان گویایی است که هم می‌تواند به دانش و فرهنگ خدمت کند، هم می‌تواند گفتارهای ناصواب بگوید؛ بنابراین خرید و نگهداری آن برای استفاده از برنامه‌های مفید، مانعی ندارد.»

در دورانی که بلندگو تازه رواج یافته بود و تعدادی از علما استفاده از آنرا مجاز نمی‌دانستند، ایشان در پاسخ عده‌ای از مردم که از ایشان پرسیدند: «آیا اجازه می‌دهید بلندگوی خرید و در مسجد نصب کنیم؟» جواب دادند: «این چه سوالی است؟! احتما آنرا تهیه کنید که تا من زنده‌ام، حجت بر مردم تمام شود که این وسیله گناه ندارد و نگهداری آن و نیز استفاده از آن در موارد صحیح، نه تنها زیانی ندارد، بلکه لازم است.» (<https://shahabadi.ir>)

۲-تبحر داشتن در انواع علوم و فنون

این نکته را نباید فراموش کرد که تبحر آیت الله شاه آبادی و برجستگی و کمالات او، تنها در عرفان با فلسفه خلاصه نمی شد. به اعتقاد پاره ای از خوشه چینان خرمن وجود او، مهارت ایشان در فقه و اصول بیش از فلسفه بوده و جنبه عرفانی ایشان موجب مستور ماندن بعد فقهی و اصولی ایشان گشته است. ایشان با آنکه در ایران به اجتهاد نائل شده بود، به عراق رفت و هفت سال در نجف اقامت گزید و در درس مرحوم آخوند خراسانی شرکت کرد. علاقه و ارادت ایشان به صاحب کفابه در حد عشق بود تا جایی که برای او جمیع «روحی فدا» را در شرحی که بر کفایه نگاشته اند، به کار میبرد و معتقد بود: «آخوند عقل مجسم است.» پس از آخوند هم به سامرا رفت و تادبا در درس میرزا محمد تقی شیرازی شرکت جست. ایشان یکی از شش نفری بود که از میرزای شیرازی اجازه اجتهاد دریافت نمود. علاوه بر این همه، آقای شاه آبادی ریاضیات را به خوبی میدانست و در علوم غریبه چون جفر، رمل و اسطرلاب مهارت کامل داشت و به زبان فرانسه نیز مسلط بود، چنانکه در خطابه و شعر نیز برجستگی بالایی داشت. (جعفرپیشه فرد، مصطفی، تابستان ۸۱ صفحه ۸۳)

۳-راهنمای عوام و خواص

در مسجد جامع نگاه میکنید این مردم عادی درس نخوانده، به معنای اینکه حوزه نرفتند، طلبه علوم دینی نیستند، اهل کسب و کارند، صبح ها و ظهر و شبها به نماز می آیند و آقا برایشان صحبت میکردند. پای صحبت هر پیر مردی می نشستند می دیدی چقدر معلّمات دارند در معارف الهی، در اعتقادات، در معارف فلسفی و عرفانی. بسیاری از این پیرمرد های آن زمان آقا را درک میکردند. گاهی از ایشان آن موقع نوجوانانی بودند که مکبر آقا بودند. پای صحبت هر کدام از آنها می نشستند انگار در محضر درس انسان فاضلی هستی. از افراد عادی با کمترین اطلاعات اسلامی، آقای شاه آبادی در این مسجد انسان هایی با فضل و اهل معرفت و اهل ساخته بود.

اکنون فرصت این نیست که اشاره بکنم و اسامی تک تک این افراد را بیاورم. بعضی از این بازاری ها درس های آقا را تقریر میکردند و بعضی از آنها به چاپ رساندند. کار آقای شاه آبادی منحصر نبود در تربیت طلاب فضایی همچون رهبر کبیر انقلاب و رجع عالیقدر، امام (روحی فدا) فیا مراجع بسیاری دیگر که از محضر ایشان استفاده میکردند. افراد عادی هم از محضر درس ایشان استفاده میکردند و بهره های زیاد می بردند. (<https://shahabadi.ir>)

سیره عرفانی و اخلاقی

۱-استمرار در بندگی داشتن

بسیاری از بندگان خالص خدا با توانایی بالا و البته هموارگی در راه بندگی خداوند کوشا هستند. هنگامی که حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) در نامه ای اشاره به ماجرای خیبر میکنند، آن حادثه محیر العقول را وابسته به قدرتی ملکوتی و جانی برافروخته از نور الهی می دانند. (صدوق، ابن بابویه ۱۴۰۰ ق صفحه ۵۱۴) این مسئله ثابت میکند که مردان خدایی نیروی ویژه خود را در عبادت حضرت احدیت از منبعی خارج از دستان و بازوان ظاهری دریافت میکنند. قدرت ایمان و خلوص بندگی

^۲ نامه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به سهیل بن حنیف

واظهار خدمت به خداوند جلیل و اهل بیت عصمت (علیهم السلام)، تنها مددکار مرد خدا در راه اطاعت و خدمتگذاری به دستگاه حضرت حق است. آیت الله نور الله شاه آبادی درباره صفات عبادی و برنامه زندگی مرحوم پدرشان چنین میگوید:

شخصیاتی که مراحل معرفتی و عرفانی را طی کردند، ادعایی ندارند. هرگز از ایشان شنیده نشده که من چه هستم و چه میکنم و چه میخواهم بکنم، ولی عملاً در بندگی خدا استمرار داشتند؛ یعنی کسی که در تمام عمرش آنچه را که می دیدیم و تا آخر در عبادات شبانه اش، روزانه اش، گفتارش، قدمش، هرچه بوده برای خدا بوده. مرحوم آیت الله صدر الدین کوهپایی گفتند: «من بیست روز مهمان ایشان در قم بودم. ساعت ها قبل از اذان مشرف میشدیم به حرم. ایشان در درگاه حرم می ایستادند به نماز نافله تا اذان میشد. نماز صبح را به جا می آوردند. باز می گشتند و ساعات روز را به درس و بحث تا آخر می گذراندند، به گونه ای که من خسته شدم، توان اینکه ادامه بدهم نداشتم.»

از عبادت آنچه را که انجام می دادند، طبیعی بود که از جماعت و عبادت و نمازهای شب، ولی توسلات ایشان آنچه که بود، به مقام مقدس حضرت زهرا (سلام الله علیها) بیشتر بود و هر وقت متوسل می شدند، به ذیل عنایت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بود. دعاها و اشیای دعاها معمول بود، ولی آنچه را توصیه میکردند به ما، استغفار و صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) بود. (<https://shahabadi.ir>)

۲- داشتن برنامه درست و مداومت در عمل

یکی از عوامل موفقیت در سیر و سلوک، داشتن برنامه درست و مداومت بر عمل است. مرحوم کلینی در کتاب ارزشمند اصول کافی، بابتی در این باره باز کرده و احادیثی چند از امامان معصوم (سلام الله علیهم) نقل کرده است. از جمله حدیث زیر را از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده که فرمودند:

«بهترین کارها نزد خداوند آن است که بنده بر آن مداومت کند، هرچند کم باشد.» (شیخ کلینی، ۱۳۶۲، جلد ۲، صفحه ۱۸۲)

آیت الله شاه آبادی عارفی بود که با برنامه صحیح و مداومت بر اعمال حسنه، به سوی معبود سیر کرد تا به مقام وصول نائل و «عند ملیک مقتدر» واقف گردید. فرزند ایشان آیت الله محمد شاه آبادی، در باره برنامه سلوک پدر بزرگوار خود چنین گفتند:

«نماز شب و تهجد ایشان ترک نمی شد. هر روز صبح بعد از نماز، زیارت عاشورا می خواندند. روزهای جمعه در مسجد، بعد از نماز صبح و صحبت، همراه با ماموران، دسته جمعی زیارت عاشورا میخواندند. شبهای جمعه دوساعت قبل از اذان صبح دعای کمیل را در مسجد همراه با مردم می خواندند. بر قرائت سوره «یس» مداومت میکردند. مهمتر از همه، دائم الحضور بودند. هیچ وقت، حتی در موقع غذا خوردن، مطالعه، بحث کردن، نوشتن و هنگام راه رفتن غافل نبودند. دیگر اینکه خواب و بیداری ایشان اختیاری بود. هر وقت اراده میکردند، می خوابیدند و هر ساعت می خواستند، بیدار می شدند.» (<https://shahabadi.ir>)

۳ - «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَ إِنْ قَلَّ»

۳- ارادت ویژه به حضرت فاطمه «سلام الله علیها»

ایشان درباره محبت حضرت صدیقه (علیها السلام) میفرمود: «اساس دین، حب فاطمه (سلام الله علیها) است. اساس اسلام بغض دشمنان فاطمه (سلام الله علیها) است و هر که فاطمه را که سلام خدا بر او باد را بخواهد و بغض اعدای ایشان را، حقا مسلمان است.»

و چه زیبا بود توصیه این مرد خدا که: «در نوافل شب به مقام شامخ حضرت زهرا (سلام الله علیها) توجه کنید و بدانید استمداد گرفتن از آن حضرت، موجب ترقی و قرب معنوی میشود و خداشناسی انسان را زیاد میکند.»

همواره خداوند را به حضرت زهرا (علیها السلام) و به نور آن حضرت، و به شرف حضرتش قسم میداد؛ زیرا آموخته بود درس حقیقت را.

هستی بنا شده ز برای تو، فاطمه علیها السلام باشد رضای حق به رضای تو، فاطمه علیها السلام

و طریق سلوک را بر سالکان حقیقی طریق چنین بیا میفرمود: «سالک الی الله در صورتی میتواند به جایی برسد که در ضمن سیر فالو مرتبه، اتکا به خانم حضرت صدیقه (سلام الله علیها) داشته باشد و این محبت خانم است که انسان را به راهی که باید بروند هدایت میکند و اگر نباشد، اصلا سیری وجود نخواهد داشت. این چنین میتوان به خود بشارت داد که پاک و پاکیزه شده ایم: «لِنَبَشِّرْ أَنْفُسَنَا بِأَنَّ قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ» (طوسی، محمد بن حسن جلد ۲ صفحه ۷۱۱) و ما خویشتن را بشارت می دهیم که به واسطه ولایت شما پاک شده ایم. (<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/4693/4723/37715/>)

۴- راز دار اسرار الهی

أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ؟ (شیخ عباس قمی، بی تا، صفحه ۸۷۴) کجاست آن وجه خدا که اولیای الهی به سوی آن توجه می کنند. وی صاحب مقام تشرف بود، ولی اسرار را در سینه پنهان داشت. فرزندش در کتاب عارف کامل چنین نقل میکند:

«یادم هست ایت الله صدر کوپایی که از علما و اساتید بزرگ اصفهان بودند، ارتباط خیلی نزدیکی با مرحوم والد داشتند و مرتب با پدر مکاتبه میکردند، ولی مرحوم پدر هیچ یک از نامه های ایشان را نگه نمی داشتند و همه را فوراً از بین می بردند. فقط یک مرتبه پدرم نامه ایشان را فراموش کرده بودند از بین ببرند و گذاشته و رفته بودند که ما توانستیم آن نامه را بخوانیم. در آن نامه، آیت الله صدر کوپایی اصرار کرده بودند در وقت تشرف، این مطالب یادتان نرود. مرحوم پدر که از نماز برگشتند، با حالت اضطراب سراغ نامه رفتند و آن را پاره کردند. ما از این آثار فهمیدیم که ایشان، ارتباطی با مقام ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارند، ولی خودشان تظاهری نداشتند و صحبتی نمی

کردند. (<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/4693/4723/37715/>)

ای نسیم سحر، آرامگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟ حافظ خواجه شمس الدین محمد، ۱۳۶۸، صفحه ۳۹

۴- دعای ندبه

۵-قناعت داشتن

قناعت خصلت ارزشمند یک انسان مومن به شمار می‌رود. انسانی که خود نیز فقیه و عارف است و بر الگوهای اسلامی و مذهبی احاطه کامل دارد، خوب می‌داند در فرهنگ اسلامی صفت قناعت از جمله صفات فاضله و اخلاق حسنه است و از آن به عنوان وسیله ای که سعادت ابدی آدمی را به بار می‌آورد، یاد شده است. اما محمد باقر (سلام الله علیه) در این رابطه می‌فرماید: «کسی که خدا به آنچه خدا روزیش کرده قانع باشد، او از توانگرترین مردمان است». (شیخ کلینی، ۱۳۶۲ش، جلد ۲، صفحه ۱۳۹)

در دین اسلام به قناعت به عنوان یک ویژگی ارزشمند جامعه مسلمان، بسیار توجه شده است و به عنوان یک فضیلت مهم تلقی می‌شود. همچنین در ادبیات ایرانی هم که نشأت گرفته از مفاهیم مذهبی است، به این امر خیلی توجه شده است و درباره حسنات و نکات مثبت آن در مکتوبات و آثار بر جای مانده شعرا و نویسندگان، سخنان زیادی گفته شده است. از جمله سعدی یرازی می‌گوید:

خدارا ندانست و طاعت نکرد / که بر بخت و روزی قناعت نکرد

قناعت توانگر کند مرد را / خبر کن حریص جهانگرد را (سعدی، ۱۳۲۰، صفحه ۷۷۵)

ای قناعت، توانگر گردان / که و رای تو هیچ نعمت نیست (سعدی، ۱۳۲۰، صفحه ۹۳۷)

در این باره، برای عارف بزرگ باید گفت که بالاترین نعمت زندگی یعنی قناعت را داشتند. برای ایشان اینکه چه می‌خوردند مفهومی نداشت. اسیر شکم و شکم پرستی نبودند تا قدر دین و دنیایشان به اندازه شکم چرانی برای او باشد. ایشان به هر چه می‌خوردند، قانع بودند و شکر گزار.

نه اینکه این پیر عرفان مانند صوفیان به یک دانه خرما یا بدم بسنده کنند و نه مانند دنیاپرستان سفره های رنگارنگ با غذاهای متنوع بگسترانند. غذای ایشان، همان غذای اهل خانه بود. ساده و بی آرایش در کنار خانواده می نشستند و با آنان به صرف غذا می پرداختند؛ غذایی که با عشق و علاقه و صفا و یکرنگی خورده می شد و همه شکر پروردگار را به جا می آوردند برای این سفره ساده ولی پر برکت. همسر ایشان میگوید: «اگر یک نان و پنیری ما داشتیم می خوردیم، این را به یک قشنگی می خوردیم. یا مثلاً یک آبگوشتی می پختیم، همچنین خبری هم نبود. خانه ما خانه بچه داری بود...».

و این خصلت زیبای ایشان بود که به هر چه داشتند، قانع بودند. در خوردن و آشامیدن به همان مقدار روزی که از طرف خداوند برای ایشان داده شده بود، قناعت میکردند. (<https://shahabadi.ir>)

^۵ -حرف ت، غزل ۱۹

^۶ -بوستان باب ششم در قناعت -سر آغاز

^۷ -گلستان باب سوم در فضیلت قناعت حکایت شماره ۱

چند توصیه‌ی اخلاقی از ایت الله شاه آبادی

۱- قوای جوانی و کسب معنویت

آیت الله شاه آبادی دوستدار جوانان بود و توجه ویژه‌ای به آنان داشت و به جوانان توصیه می‌کرد: «تا قوای جوانی جوانی و نشاط آن باقی است، بهتر میتوان قیام کرد در مقابل مفاسد اخلاقی و خوبتر میتوان وظایف انسانیه انجام داد. مگذارید این قوا از دست برود و روزگار پیری پیش آید که موفق شدن در آن حال، مشکل است و بر فرض موفق شدن، زحمت اصلاح خیلی زیاد است.» (<https://shahabadi.ir>)

۲- سحر خیزی

اگر برای نافله شب بیدار شدید، برای نافله خواندن آمادگی روحی ندارید، بیدار بمانید، بنشینید، حتی چای بخورید. انسان بر اثر همین بیداری، آمادگی برای عبادت پیدا می‌کند. بیداری سحر هم برای مزاج مادی مفید است و هم برای مزاج معنوی. (<https://shahabadi.ir>)

۳- سوره حشر و اصلاح نفس

جناب عارف بزرگوار می‌فرمودند: «مواظبت به آیات شریفه آخر سوره حشر، از آیه شریفه یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله ولتنظر ما قدمت لغد»^۸ تا آخر سوره مبارکه، با تدبیر در معنی آنها در تعقیب نمازها، خصوصا در اواخر شب که قلب فارغ البال است، خیلی موثر است در اصلاح نفس و نیز برای جلوگیری از شر نفس و شیطان دوام بر وضو را سفارش می‌فرمودند و می‌گفتند وضو به منزله لباس جندی است.» (موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۷۱، صفحه ۲۰۸)

ایشان سفارش میکردند: سه آیه آخر سوره مبارکه حشر را تلاوت کنید تا ملکه شما شود و اولین اثری که از آن مترتب میشود، پس از مرگ و شب اول قبر است. وقتی ملکین از سوی پروردگار برای سوال و جواب می‌آیند، در جواب من ربّک؟ بگوئی: «هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهاده هو الرحمن الرحیم. هو الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون. هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السماوات و الارض و هو العزيز الحکیم»^۹ و وقتی این طور پاسخ بگویی ملائکه مبهور و متحیر میشوند، چون این معرفی حق است به زبان حق، نه معرفی حق به زبان خلق (<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/4892/4940/41621/>)

سیره سیاسی

این عالم بزرگوار در کنار فعالیت های علمی و اخلاقی از حضور در اجتماع و فعالیت های سیاسی هم غافل نبود و گاهی سردمدار حرکت های سیاسی_ اجتماعی در مقابل حاکمان زمان خویش بود. امام خمینی (رحمه الله علیه) فرموده بودند: «مرحوم آقای شاه آبادی علاوه بر آنکه یک فقیه مبارز و عارف کامل بودند، یک مبارز به تمام معنی هم بودند.»

^۸ سوره حشر آیه ۱۸

^۹ آیات آخر سوره حشر

از جمله فعالیت های سیاسی های ایشان را می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱-مقابله با فرامین ضد اسلامی رضا شاه

در موقعیتی که رضاخان تمام مساجد و منبر را تعطیل نموده بود آیت الله شاه آبادی هیچ گاه نماز و سخنرانی اش قطع نشد. زمانی هم که رضا قلدر پوشیدن لباس روحانیت را ممنوع کرده بود او فرزندان را به روحانی شدن و پوشیدن لباس مقدس روحانیت تشویق کرد و به برکت همیت تلاش مخلصانه هفت تن از فرزندان ایشان روحانی شدند.

ماموران رضاخان، برای آنکه بتوانند صدای حق طلب آیت الله شاه آبادی را خاموش کنند، منبر او را از مسجد جامع دزدیدند ولی از آن پس ایشان ایستاده سخنرانی می کرد و می گفت منبر سخن نمی گوید اگر می خواهید سخنرانی تعطیل شود، باید مرا ببرید و من هر روز قبل از اذان صبح تنهایی از مسجد به طرف مسجد می آیم، اگر عرضه دارید آن وقت بیایید مرا دستگیر کنید. بر پایه این گفتار شجاعانه روزی عده ای روباه صفت برای دستگیری شیخ عارف به مسجد جامع حمله ور شدند و با بی شرمی تمام همچون لشکر یزید چکمه پوشان وارد مسجد شدند که ناگاه آیت حق نهیبی بر آنها زد و همگی آنها پا به فرار گذاشتند و برای دستگیری ایشان در بیرون مسجد کمین کردند و آنگاه که آیت الله شاه آبادی از مسجد خارج شد فرمانده آنها رو به شیخ عارف کرد و گفت: آقای شاه آبادی! آقای شاه آبادی! تو باید همراه ما بیایی کلانتری. آیت الله شاه آبادی ایستاد و درحالی که ابروانش به گره خورده بود گفت: برو به بزرگترت بگو بیاد و به راه خود ادامه داد. (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم موسسه فرهنگی اسلامی الامامین الحسنین علیهما السلام، جلد ۲، صفحه ۱۶۱)

۲-مبارزه با مقوله کشف حجاب پهلوی

مبارزه سیاسی کاری خطیر است. در این میدان، جان و آبروی انسان و اطرافیانش در معرض خطر قرار می گیرد. این همان مسیری است که امامان معصوم شیعه پیمودند. مسئله اینجاست که هنگام در میان بودن اصل دین، هیچ مبارزه ای اساسیتر از این مبارزه نیست. حجت الاسلام سعید شاه آبادی، نوه مرحوم شاه آبادی، درباره واکنش ایشان درباره منع حجاب رضاخانی می گوید:

مرحوم آیت الله العظمی میرزا محمد علی شاه آبادی در سال ۱۳۱۴ شمسی از قم به تهران مهاجرت می کنند. آن سال ها، هم زمان بود با موضوع کشف حجاب. آیت الله شاه آبادی در تهران یکی از محور های فعالیت خودشان را مبارزه با ظلم و ستم و جور نظام رضاخانی می دانستند و به طور خاص پدیده کشف حجاب مبارزه کردند. تعبیر آیت الله شاه آبادی این بود که اگر رضاخان سر ۱۰۰ روحانی را می برد و اعدام می کرد، اینچنین لطمه به دین نمی خورد که با کشف حجاب لطمه به دین خورد؛ کشف حجاب با پایه های دین که حیا و عفت است مبارزه می کند و قوام دین که بر حیا و عفت است با کشف حجاب از دست می رود و قصد رضاخان از بی حجابی و رواج پدیده بی حجابی از بین بردن دین است. به هر حال مبارزات آیت الله شاه آبادی با رضاخان و همین طور بعد از به قدرت رسیدن محمد رضا و مبارزه ایشان با ظلم و ستم پهلوی دوم زبازد خاص و عام است.

(<https://shahabadi.ir>)

^{۱۰} - برای اطلاعات بیشتر در این زمینه می توانید به کتاب انسان ۲۵۰ ساله مقام معظم رهبری (حفظه الله) مراجعه کنید.

۳- پیوند دادن میان دین و سیاست

از دیگر ارکان اندیشه سیاسی مرحوم شاه آبادی، آمیختگی دین و سیاست است. او که سیاست را عبارت از «تدبیر در جریان مصالح نوعیه و منع از تحقق مفساد آنها» تعریف می کند، میان آن با تزویر و تدلیس و شیطننت جدایی می افکند و چنین سیاستی را تحریف در مفهوم سیاست می شمرد. از نظر ایشان، قوانین و احکام الهی را که در جهت مصالح و مفساد واقعی اجتماعی تشریع شده اند، در واقع می توان سیاست الهیه نامید. چون تدبیر در جریان همان مصالح و عدم ظهور همان مفساد است.

حدود و دیات از سیاست اسلامند برای جلوگیری از منهیات و پیشرفت اوامر، لذا در تدابیر الهیه اند ولذا وقتی در جامعه قصاص اجرا شد، با جریان این حکم سیاسی الهی، حفظ نفوس می شود و مردم از حیث حب ذات و حب بقا، مرتکب این فعل قبیح نخواهند شد.

در اندیشه آقای شاه آبادی حتی طهارت و صوم و صلوه و زکات و حج نیز بر سیاست مشتمل است و «لذا می توان علی التحقیق گفت که دین اسلام، دین سیاسی است» اگرچه مع الاسف آثار زیادی از مرحوم شاه آبادی بر جای نمانده است، همان مقدار آثار شان غنیمت و ذی قیمت است. از جمله آثار ایشان شذرات المعارف است که در آن نکات مهمی از اندیشه سیاسی ایشان منعکس است. در بخشی از این کتاب در تاکید بر سیاسی بودن دین اسلام می فرماید:

«قرآن مجید با اسلام انفرادی مناسبت ندارد، زیرا که قرآن نمی فرماید به تنهایی نماز کن، بلکه علاوه بر آن، تولید نماز گزار و اقامه صلوه را بر عهده مسلمین گذارده. قرآن نمی فرماید: تنها تحرز از زنا نما، بلکه علاوه بر آن {حفظ عقد و منع از وقوع زنا را در عالم از وظایف ما مقرر فرموده.}» (شاه آبادی محمدعلی، ۱۳۸۶، صفحه ۴۳)

از دید آیت الله شاه آبادی، قناعت به اسلام انفرادی از اسباب مهلکه است و بسط معارف و حقایق دیانت در حدود ممالک اسلامی، به منزله ریسمان نبوت و ولایت است و موجب ارتباط با مقام مقدس حضرت حجت بن الحسن (عجل الله فرجه) می گردد.

به طوری که از خطوط کلی بالا کاملاً مشهود است، آنچه مرحوم شاه آبادی پیرامون سیاست به مفهوم صحیح آن، با سیاست به معنای خدعه و فریب بیان می کند و میان آن را با دین پیوند و هماهنگی می بیند و دین اسلام را دینی جمعی و سیاسی می شمرد، همان خطوط کلی است که اساس اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) را تشکیل می دهد و از اینجاست که می توان نتیجه گرفت و آنچه در اندیشه آقای شاه آبادی به صورت گُمون و ناآشکار وجود داشت، به صورت کامل، در قالب شرح و تفصیل و ارائه نظریه های ملکوتی توسط حضرت امام شعله ور گردید و در دهه های بعد، آن اندیشه ها بود که چراغ انقلاب اسلامی را برافروخت و جهان ا تکان داد. (جعفرپیشه فرد، مصطفی، تابستان ۸۱ صفحه ۹۰-۴)

۴- ایجاد جمعیت و انجام کار تشکیلاتی برای مقاصد عالییه اسلام

از جلوه های قابل تأمل اندیشه سیاسی جناب شاه آبادی (ره) توجه به کار گروهی و پدید آوردن تشکیلات منسجم در میان مسلمانان است. اگرچه تحزب به معنای مذموم و ضد ارزشی آن که برای جناح بندی و رقابت ناسالم سیاسی و ربودن قدرت از چنگ رقیب کاربرد دارد، از ساحت اندیشه عارف مهدبی همچون شاه آبادی کاملاً به دور است، ولی او به عنوان عالمی ربانی و فقیهی عارف به زمان خویش می داند: نیل به مقاصد عالییه اسلامی تنها در گرو پیدایش جمعیت منسجم است.

مبانی تحزب دینی از دیدگاه شاه آبادی بر نوعی بودن مرام اسلامی استوار است. چون مقصد عالییه اسلامی، مقصد نوعیه است. از اعظم سیاست ها برای نیل به این مقصد، تحصیل عده و عده است و در این مقام که مقصد نوع است، تحصیل عده مقدم بر تحصیل عده است؛ بنابراین باید نیرو جمع کرد و کادرسازی نمود. برای کادرسازی، نظر شاه آبادی به این جمله است: «لا عده الا

بالاخواه»، کادرسازی و جمع نیرو بدون برادری و اخوت ناممکن است. از دیدگاه شاه‌آبادی: عدد اگرچه فوق حدّ نهایت بوده باشد، ولی مادامی که مرتبط نشود به «خیط اخوت» در حکم غیریت و مباینیت است و البته جهات مباینه، مؤثر در یک جهت و محصل یک معتقد نخواهد بود، چنانچه دانه‌های تسبیح مادامی که به واسطه خیطی منتظم نشود، حرکت هیچ کدام باعث حرکت دیگری نگردد. از اینجا معلوم می‌شود که «اخوت» از احکام سیاسیة الهیه برای اجرای مقاصد اسلامی است و از همین رو در صدر اسلام، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دست به عقد اخوت میان مسلمانان زد.

در ادامه، مرحوم شاه‌آبادی «اخوت» را به عرش تشبیه می‌کند که بر چهار زاویه استوار است: انس، کمال، عزت و عون. این چهار پایه، امهات نوامیس عالم بشریت به حسب معاد و معاش است که در شذرات المعارف به تبیین هر یک پرداخته می‌شود. اینجاست که با تحلیل مبانی فکری مرحوم شاه‌آبادی به جوهره تفاوت تحزب اسلامی با تحزب سکولار می‌رسیم. تحزب اسلامی با مبنای اخوت و تحصیل عده و عده و کادرسازی برای نیل به مقاصد عالیة الهیه و گسترش افعال حسنه و اخلاق فاضله و عقاید حق است و با توجه به آن مبانی و این اهداف، بروز جناح‌بندی و گروه‌گرایی و رقابت برای حذف رقیب و ربودن قدرت، کاملاً با آن در تباین است. لذا جناب شاه‌آبادی، توسعه اجتماعات مذهبی را برای ارتباط و دوستی متدینان با یکدیگر، به عنوان خیط اخوت اصلی اصیل برای بسط معارف و حقایق دیانت ضروری می‌بیند و برای چنین گروه‌ها و تشکیلاتی، اهداف و برنامه‌هایی را پیشنهاد می‌کند. از جمله:

۱. از آنجا که این تشکیلات، تنها سیاسی نیست و اهداف عالی را دنبال می‌کند، لذا از جمله اهداف فراهم کردن مؤسسات را، تعلیم معارف و اخلاق و احکام دیانت مقدسه اسلام به افراد و اعضای گروه و کودکان آن‌ها می‌بیند. از نگاه این عارف هوشمند، اولین هدف تعلیم و تربیت است که در این میان توجه به نقش کودکان اهمیت دارد. به علاوه در آموزش و تعلیم نیز توجه به سه چیز است: معارف، اخلاق و احکام. ۲. هر عضو موظف باشد هر هفته یک شب برای مذاکره و تحصیل مهمات مذهبی، در مرکز جمعیت حضور به رساند.

۳. هر عضو ملتزم باشد که یک نفر را هدایت کند و با این اهداف و اعمال آشنا کند. ۴. جمعیت هیئت رئیسه‌ای داشته باشد تا اختلافات به ایشان ارجاع شود. ۵. تأسیس مجله. ۶. انجام کارهای اقتصادی و شراکت و تجارت و زراعت و صنعت و اعطای قرض الحسنه برای تأمین معاش اعضا و رسیدگی به بیکاران و اعاشت فقرا و ترویج محصولات داخلی. به‌راستی هر کس اندکی در اهداف و برنامه‌های یادشده تأمل کند، آیا می‌تواند اندکی در هوش و درک سیاسی آقای شاه‌آبادی و انسجام اندیشه سیاسی ایشان تردید کند؟ مطالب یادشده که به طور فشرده گزارش شد، محصول اندیشه روشن آن فقیه و عارف فرزانه در حول دهه ۱۳۲۰ ش است؛ و گویای آن است که رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه)، اگر از آن دید و بینش سیاسی عمیق و مثال‌زدنی برخوردار بود، گرچه مقدار زیادی از آن بر اثر قریحه ذاتی او بود، نمی‌توان نقش استادی همچون شاه‌آبادی را در پرورش اندیشه سیاسی او نادیده گرفت و اگر در دهه‌های بعد شاهد پیدایش گروه‌های اسلامی در میان جامعه ایرانی هستیم، نطفه اصل پیدایش چنین تشکیلاتی را در افکار سیاسی مرحوم شاه‌آبادی شاهدیم. البته ایشان در زمان خودش، به تأسیس صندوق قرض الحسنه و تأسیس هیئت‌های سیار و تعلیم معارف اسلامی و تربیت کودکان به شکل منسجم و تشکیلاتی اقدام نمود. (جعفرپیشه فرد، مصطفی، تابستان ۸۱ از صفحه ۹۱ تا ۹۳)

نتیجه:

خواندن سیره علمی و عملی آیت الله شاه آبادی قطعاً مسیر سعادت را برای طلاب نزدیک تر می کند چون ایشان از علمایی هستند که در همه حوزه های علمی اخلاقی و اجتماعی-سیاسی به عنوان الگوی طلاب محسوب می شوند.

منابع

۱. قران کریم
۲. حافظ، خواجه شمس الدین محمد، ۱۳۶۸، دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی، قم: موسسه الوفاء :انتشارا ت اندیشه 1
۳. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، بی تا، گلشن ابرار در ۲ جلد، قم: موسسه فرهنگی اسلامی الامامین الحسینین علیهما السلام
۴. سعدی، مصلح الدین بن عبد الله، ۱۳۲۰، دیوان سعدی، طهران: بی نا
۵. شاه آبادی، محمد علی، ۱۳۸۶، شذرات المعارف، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۶. صدوق، ابن بابویه، ۱۴۰۰ ق، امالی الصدوق، بیروت: اعلمی
۷. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، مصباح المتعجد، تهران: المکتبه الاسلامیه
۸. قمی، شیخ عباس، بی تا، مفاتیح الجنان، انتشارات اسوه
۹. کلینی، ۱۳۶۲ ش، الکافی، تهران: اسلامیه
۱۰. موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۷۱، شرح چهل حدیث، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله علیه)
۱۱. جعفرپیشه فرد، مصطفی، تابستان ۸۱ مقاله «اندیشه سیاسی آیت الله شاه آبادی و نقش آن در اندیشه سیاسی امام خمینی (س)»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۲۴. قم: دبیر خانه مجلس خبرگان رهبری
۱۲. رضایی چراتی، داوود، ۱۳۹۴، مقاله شیخ عارف، مجله حضور، شماره ۹۴، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، موسسه چاپ و نشر عروج

۱۳. <https://shahabadi.ir>

۱۴. <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/> پایگاه اطلاع رسانی حوزه

۱۵. <https://www.welayatnet.com/fa/news/74789>

۱۶. <https://wikinoor.ir/>